

نشریه ادبیات تطبیقی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان
دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹

جستاری بر مرثیه های شریف رضی و محتشم کاشانی*

دکتر علی رضا محمد رضایی
استادیار پردیس قم دانشگاه تهران
مریم کیا
کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

ادبیات تطبیقی چند جانبه است. یکی از رویکردهای آن، بررسی پردازش همانندی و ناهمانندی های شکلی و محتوایی شاعران و نویسندگانی است که در ادبیات کشور خود، آن هم با یک یا چند موضوع، جایگاه ویژه ای یافته اند. محتشم کاشانی در ادب فارسی و شریف رضی در ادب عربی با موضوع سوگ سروده حسینی از این جمله اند. هر چند، شکل گیری رویداد اندوهبار کربلا و شهادت جانسوز سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و یاران با وفایش و مصیبت های وارده بر اهل بیت و باز ماندگان آن حضرت یکی از برجسته ترین موضوعات شعر متعهد شیعی است، ولی نگاه و زبان این دو شاعر بسی متفاوت تر از سایرین بوده است. در این جستار به بررسی سوگ سروده معروف محتشم کاشانی و سوگ سروده های شریف رضی بر مبنای شش رویکرد روایی - تاریخی، روایی - سیاسی، عاطفی، تخیلی، اخلاقی، و فلسفی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

محتشم کاشانی، شریف رضی، تاریخ، سیاست، عاطفه، تخیل.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۹
نشانی پست الکترونیک نویسنده: -

۱- مقدمه

ادبیات تطبیقی، امروزه در ادبیات جهان جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. این نوع ادبیات همگونی‌ها و ناهمگونی‌ها، اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های میان ادبیات ملت‌های گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهد. این شاخه از مطالعات ادبی نزدیک به یک قرن است که در کشورهای شرقی و اسلامی جان گرفته است. پژوهشگر این حوزه در بررسی‌های خود از ادبیات ملی‌پا را فراتر نهاده، ادبیات سایر ملت‌ها را نیز بر اساس محورها و معیارهای رو به رشد و انعکاس یافته در آثار ادبی مورد مطالعه قرار می‌دهد. او در صدد شناخت دیگری است و به عبارتی دیگر، در هر زمان بر آنست که «خود» را در آیین «دیگری» ببیند و بشناسد، و به بررسی یک موضوع در دو زبان و ادبیات و پیوندهای تاریخی و تأثیر و تأثر آن‌ها پردازد، که در نهایت این نوع پژوهش‌ها می‌تواند شناخت دقیق‌تری از ادبیات ملی، کاستی‌ها و فزونی‌ها، توانمندی‌ها و احیاناً ناتوانی‌های تعبیری آن و میزان تأثیر و تأثرها، و حتی وجود پیوندهای تاریخی منجر به پیوندهای فرهنگی فکری اعتقادی، در مقایسه با زبان و ادبیات سایر ملت‌ها ارائه نماید. البته در هر مطالعه تطبیقی، به ویژه آن‌جا که به ارائه تصویری از رویدادی خاص همچون شهادت حضرت ابا عبدالله (ع) و مصیبت‌های وارده در ادبیات دو شاعر تازی و فارسی گوی پرداخته می‌شود، شاید نیازی به بررسی پیوندهای تاریخی میان دو ملت نباشد.

حادثه شهادت امام حسین - علیه السلام - اگرچه در محیطی عربی اتفاق افتاد و قهرمانان آن شخصیت‌های عربی هستند، ولی سالار شهیدان شخصیتی فراملیتی است. مصیبت‌ها و شهادت آن حضرت احساسات و عواطف دیگر ملت‌های آزادی‌خواه جهان را در بزرگداشت و سوگ سرایی آن حضرت برانگیخته و از آغاز تا به امروز سوز و گداز این مصیبت جانکاه در شعر شاعران ملت‌ها همچون ایرانیان - به دلیل شور و شعور مذهبی و دینی - انعکاس یافته است. این نوشتار بانگاهی به زندگی نامه و درون مایه مرثیه‌های آن دو شاعر، مضامین مشترک و

تفاوت نگاه آن دو را با تکیه بر شش رویکرد روایی-تاریخی، روایی-سیاسی، عاطفی، تخیلی، اخلاقی، فلسفی مورد بازخوانی قرار می دهد.

۲- سید رضی

ابوالحسن، محمدبن ابی احمد الحسین موسوی، معروف به سید رضی و شریف رضی، به سال ۳۵۹ هجری در بغداد متولد شد. روزگار سید مقارن با دوره سوم خلافت عباسیان (۳۳۴-۴۴۷ هجری) و فرمانروایی آل بویه در عراق بود. این دوره را از لحاظ فرهنگی عصر زرّین و از جهت تاریخ ادبیات، عصر شاعران سه گانه: متنبی، سید رضی و ابوالعلاء معری نامیده اند (دایره المعارف فارسی ۱، ج ۲، ذیل عباسیان). توسعه فرهنگی دوران آل بویه در تاریخ اسلام بی همتا است.

نبوغ ذاتی سید رضی و پرورش در دامان خانواده‌ای فرهیخته: پدری با برخورداری از منصب نقابت طالبیان بغداد و تصدی دادگاه مظالم و ریاست حجاج (الثعالبی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۵۵) و مادری دانشمند و با فضیلت و تقوا و دوستدار علم و مورد احترام دانشمندان و فقیهان و شرایط فرهنگی و محیطی بسیار پیشرفته قرن چهارم و پنجم بغداد، زمینه فرهنگی مناسبی برای وی فراهم ساخت تا از محضر فقیهان و محدثان و متکلمان و استادان ادب و عالمان بزرگ قرآن و نحویان همچون شیخ مفید، تلکبری، ابومحمد دیاجی، ابوعبدالله جرجانی، ابوبکر محمدبن موسی الخوارزمی، قاضی سیراقی و ابوالفتح عثمان بن جنی نحوی، ابوالحسن قاضی عبدالجبار معتزلی، ابن نباته، ابوحنفص عمر بن ابراهیم الکنانی همه دانش های آن روز را فراگرفت و در همه رشته های دانش روزگار خود به استادی دست یافت. به منظور پرداخت زکات علم خود مدرسه ای به نام «دارالعلم» در نزدیکی خانه خود در کوی کرخ بغداد تأسیس کرد که افزون بر تالارهای تدریس و سخنرانی و جلسات بحث و پژوهش و گفت و گوی علمی، و کتابخانه بزرگ، دارای اتاق هایی برای زندگی دانشجویان بود.

سید رضی نه تنها فقیه و محدثی بزرگ بود، در شعر و شاعری استادی بی مانند و در نویسندگی و علوم بلاغت نیز یکه تاز میدان ادبیات عرب به شمار می رفت. او

با ذوقی سرشار و استعدادی جوشان و با نگاهی ژرف به حقایق علمی به نقد آثار دانشمندان دیگر می‌پردازد و زمینه را برای رقابت سازنده دانشمندان در همه رشته‌های علوم فراهم می‌کند. او علاوه بر نقدهای علمی در کتاب «تلخیص البیان فی مجازات القرآن» و «المجازات النبویه»، به شیوه‌ای بدیع و استادانه مجازها و استعاره‌های موجود در قرآن مجید و احادیث رسول اکرم (ص) را بررسی نموده است.

استقلال شخصیت سید رضی در نقد و نوآوری زاده دوران شکوفایی فرهنگ اسلامی و عصر زرین دانش و پژوهش بود و در این دوران به برکت فرمانروایی فرهنگ تشیع با دو ویژگی آزاداندیشی و خردگرایی، در همه رشته‌های دانش پیشرفت چشمگیری یافت و خود یکی از پایه‌گذاران فرهنگ اسلامی گردید.

«نهج البلاغه» مهم‌ترین تألیف سید رضی است که مجموعه‌ای گزیده‌ای از خطبه‌ها، کلام‌ها، نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، یک پیمان‌نامه، چند دعا و کلمات قصار و حکمت‌آمیز امیرمؤمنان علی (ع) است و این کار سترگ را در ۱۳ رجب سال ۴۰۰ به پایان رساند. «حقایق التأویل فی متشابه التزیل» کتاب تفسیری از سید رضی است که متأسفانه فقط جلد پنجم آن در تفسیر آیات متشابه و سوره آل عمران تا آیه ۴۸ سوره نساء برجای مانده است. «خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)» و دیوان شعر که به ترتیب الفبایی تنظیم شده و مشتمل بر ۱۶۳۰۰ بیت در انواع شعر است، از آثار اوست. باورها و دانش‌های ژرف او نه تنها از خلال آثارش مشاهده می‌شود، بلکه دیوان اشعار او نیز سرشار از اطلاعات بسیار ادبی و علمی و نشان‌دهنده حوادث و رخدادهای تاریخی و مسایل سیاسی و اجتماعی و مذهبی است.

در هنر شاعری سرآمد همه قریشی‌ها است (همان منبع). در چکامه‌هایش، خود را با احساس‌ترین شاعر جهان می‌شناساند. هنر شعر برای او فضیلت و افتخار نبود، بلکه آن را وسیله‌ای برای پیشبرد مقاصد خود می‌شناخت.

سبک شعری اش آمیزه‌ای از بدویت و حضارت است. خشونت و لطافت را در کنار هم می‌توان دید. میان شاعران عصر خود به عفت کلام ممتاز است. موسیقی

سحرانگیزی بر الفاظ و قافیه‌هایش حاکم است. وی تعبیرات مجازی را بدون تکلف در قالب مناسب می‌ریزد. روح بزرگ و احساس عزت و سروری انعکاس یافته در اشعارش، نشان از جریان میراث گرانبار علوی در روح و روان او دارد.

سید ۱۰۸ قصیده در مدح پدرش، برادرش، دوستان، خلیفه عباسی و مقامات دارد که در همه اشعار احساس بزرگواری خود را نگاه می‌دارد (صوفی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۰۲). فخریات یکی از ویژگی های شعری او می باشد.

سوگ سروده های او دارای امتیازات ویژه ای است. بالفاظی فصیح و معانی عمیق اطلاعات تاریخی بسیار و نکاتی بی شمار را در آن گنجانده است. ۸۴ قصیده مرثیه در سوگ امام حسین (ع) و شهیدان کربلا، پدر و مادر و دیگر خویشان و دوستان سروده است. آنچه در مورد امام (ع) و شهیدان کربلا سروده، سرشار از احترام و بزرگداشت و اندوه و شکایت از ظالمان و بدگویی نسبت به بنی امیه و یارانش است.

چکامه های چهل گانه ای که به حجازیات معروفند، با وصف و غزل به بیان احساسات و راز درون پرده خلوتیان می پردازد. این احساسات عاشقانه شاعر به برکت حج شکفته شده است. برخی چکامه ها به گفتمان میان او و دوستانش اختصاص یافته است. با عبرت از تاریخ و رخدادهای آن حکمت های آموزد. یکی دیگر از ویژگی های شعر او پیوند زدن میان شعر و سیاست است. برای روایت واقعیت های خشک سیاسی از عاطفه و احساس کمک می گیرد. در آن ها روح و احساس می دمد و با مسایل اجتماعی گره می زند.

سید رضی شعله ای سوزان و آتشی فروزان علیه ستمگران و تجاوزکاران بود، آتشی که هرگز خاموش نشد و تا دم مرگ فریاد کنان می افروخت و می سوخت که: «میراث محمد را برگردانید. چو گان خلافت و برده پیامبر (ص) از آن شما نیست، آیا در میان تبار شما کسی به فاطمه (س) می رسد، یا جدی مانند محمد (ص) دارد (دیوان الشریف الرضی؛ ج ۱، ص ۴۰۷). سید از فرط اندوه بی‌داد ستمگران در اوج جوانی و در بامداد یکشنبه ۶ محرم سال ۴۰۶ هجری در خانه اش در بغداد زندگی پرماجرا و پویا و پربرکت را بدرود گفت. برادر بزرگش

سیدمرتضی این مصیبت باورنکردنی و غیرمنتظره را تاب نیاورد و به حرم جدش امام موسی کاظم (ع) پناه برد. او را پس از غسل و کفن در منزلش در محله «کرخ» دفن کردند و به قولی پس از خراب شدن خانه‌اش سیدمرتضی او را به کاظمین برده و در جوار امام موسی کاظم (ع) دفن کرده و به قول دیگری، او را به کربلا برده و در کنار قبر پدرش دفن کردند. در مرگ او مرثیه‌های بسیار گفته‌اند که از همه آن‌ها بهتر، مرثیه برادرش سیدمرتضی و شاگردش مهیار دیلمی شاعر شیعی است (صوفی ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۰۴).

۳- محتشم کاشانی

شمس‌الشعرا کاشانی را حسان‌العجم نامیدند (این لقب معمولاً برای شعرای به کار می‌رود که در منقبت و مرثیه یا مضامین دینی سخن گفته‌اند. در ادب فارسی نخستین بار «خاقانی» بدان ملقب شد). مولانا سید کمال‌الدین علی فرزند خواجه میراحمد کاشانی متخلص به محتشم، شاعر اوایل عهد صفوی و از معاصرین شاه طهماسب صفوی است. در حدود سال ۹۰۵ ه‍.ق در کاشان متولد شد. نزدیک به ۹۱ سال زیست و به سال ۹۹۶ ه‍.جری در زادگاه خود، رخت به سرای باقی برد. محتشم پس از تحصیل مقدمات علوم زمان خود به «شعربافی» پرداخت که در اشعار عدیده‌ای به این حرفه خود اشاره کرده است.

محتشم به دلیل درد مزمن سفرهای زیادی نداشته است، ولی به اصفهان، عتبات عالیات و خراسان رفته است، قصاید او در این سفرها خواندنی است.

محتشم اشعاری در مدح سلاطین و شاهزادگان صفوی، به ویژه شاه طهماسب و فرزندان او سرود. همچنین، شش رباعی در تاریخ به سلطنت رسیدن شاه اسماعیل دوم سرود که در آن‌ها ۱۱۲۸ ماده تاریخی وجود دارد. وقار شیرازی (م ۱۲۹۸ ه‍.جری) رساله‌ای در شرح این شش رباعی نوشته است (رساله وقار شیرازی در مجله ارمغان سال ۱۴، ص ۷۱۳-۷۲۲؛ و سال ۱۵، ص ۷۳-۷۲-۱۰۰-۱۰۷-۲۲۶-۲۳۶). با این که محتشم در دوره گسترش روابط شعرای ایرانی با شبه قاره هند می‌زیست (برای تفصیل مطالب در این زمینه رجوع شود به اصل مقاله

دکتر سادات ناصری. ص ۱۰۵ و ۱۱۱)، اما به هندوستان نرفت، ولی اشعارش را توسط برادرش عبدالغنی برای سلاطین آن خطه فرستاد.

محتشم در سال ۹۹۶ هـ ق در گذشت. مدفن وی در کاشان مشهور است و حتی محله‌ای که این مدفن در آن است، به نام «محله محتشم» شهرت دارد.

ترکیب‌بند محتشم به گفته اسکندر بیک منشی، زمانی که محتشم قصیده‌ای در مدح پری خانم (دختر شاه طهماسب) سرود، شاه او را به سرودن اشعاری در ستایش و سوگ اهل بیت عصمت تشویق کرد (صفا، ۱۳۷۷، ج ۵، بخش دوم، ص ۷۹۳-۷۹۴). پس از این تشویق، محتشم، ابتدا در استقبال از هفت‌بند ملاحسن کاشی ترکیب‌بندی در مدح حضرت علی (ع) سرود (همان منبع سابق) و سپس، شبی در عالم رؤیا به خدمت امام علی (ع) رسید و امام از او خواست تا در مصیبت حسین (ع) مرثیه‌ای بسراید (مدرس، ۱۳۴۷ ش، ص ۸۴). مرثیه با مطلع «باز این چه...» سروده شد و از همان روزهای آغازین، مورد توجه و استقبال قرار گرفت و تا به امروز مرثیه‌ای به این درجه از شهرت و سوز و اثر پدید نیامده است.

مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد: شعر محتشم بر در و دیوار جمیع تکایا و مجالس ماتم اباعبدالله الحسین (ع) نصب شده است. شعر او گویا نگاشته حزن و اندوه و یا سرشته خاک کربلا است. این اشعار بسان مصیبت حضرت اباعبدالله به هیچ وجه کهنه نگردد؛ که خود نشان از صداقت و عاطفه ای بی شائبه و معرفت شهودی محتشم دارد. بسی سوگ سرایان بعد از او ترکیب‌بندها سرودند ولیکن هیچ کس نتوانسته است گوی سبقت از او برآید.

دیوان محتشم مشتمل بر: قصاید، غزلیات، مراثی، مدایح، قطعات، رباعیات، مثنویات می‌باشد که قسمت قصاید را «جامع اللطایف» و قسمت غزلیات را «نقل عشاق» نامیده است (صوفی، لیلا. ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۹).

۴- تفاوت سوگ سروده های اهل بیت با سایر مرثیه ها

قبل از پرداختن به وجوه اشتراک و اختلاف فکری و شعری و انگیزه‌های شریف رضی و محتشم کاشانی در سوگنامه های حسینی بهتر است به شباهت‌ها

و تفاوت های محتوایی و مضمونی سوگ سروده های اهل بیت با دیگر مرثیه ها پرداخته شود:

سوگ سروده های شاعران در رثای اهل بیت، تابلویی روشن از چهره حوادث روزگار و بیانگر مصیبت هایی است که بر شهیدان مظلوم شیعه به ویژه سالار شهیدان، حسین بن علی (ع) رفته است؛ به عبارت دیگر، روایت گری تاریخی - سیاسی است که با بیانی عاطفی و تخیلی با طرح بسیاری از معارف تشیع، پیام - رسان آرمان ائمه و انقلاب خونین امام حسین - علیه السلام - و دعوت کننده به ادامه راه آن بزرگواران بودند.

سوگ نامه با وجود مشترکات فراوانی که با سایر انواع شعر دارد، دارای ویژگی هایی منحصر به فرد لفظی و معنایی است که بر استقلال آن می افزاید. ممکن است ویژگی هایی همچون پردازش «مرگ و حیات»، «تحسّر و اندوه»، «دعوت دیگران به گریه و همدردی»، «دعا» و «تکرار واژگان و عبارت ها» در رثای غیر اهل بیت (ع) نیز خودنمایی کند، اما زاویه دید و ارزش نگاه شاعر، به اعتبار جایگاه شخص از دست رفته، کاملاً متفاوت است. با اندک تاملی در موارد ذیل آن نگاه ارزشی و ارزش سخن را می توان به عیان ملاحظه نمود:

۴-۱- مرگ و حیات

مقوله های مرگ و حیات از جمله مسایلی است که از دیرباز ذهن آدمی را به خود مشغول داشته است. سخن از مرگ و حیات در شعر رثایی بیشتر از هر نوع دیگری از انواع شعر به چشم می خورد. شاعرانی که برای غیر اهل بیت (ع) مرثیه گفته اند، معمولاً پدیده مرگ را، تباه کننده زندگی دانسته، و چنان در مورد متوفی سخن می گویند که گویی به طور مطلق جسم و جان از میان رفته است، اما در سوگ نامه های اهل بیتی «مرگ» راهی برای ورود به بهشت و سرانجام حتمی همه افراد و طی طریق در رجعت به سوی خداوند متعال معرفی شده است.

۴-۲- تحسّر و اندوه شاعر

تحسّر و اندوه بر از دست رفتگان ویژگی خاص حیات انسانی است، حیاتی که از پیوند روحی و عاطفی بین انسان ها سرچشمه می گیرد. بدیهی است که هر

قدر این پیوند و رابطه عمیق تر و مستحکم تر باشد، شدت تأثر و اندوه، بیشتر و حکایت غم مصیبت دیده جانکاه تر خواهد بود. اندوه و تحسّر در مرثی شاعران اهل بیت (ع) که از ارتباط و پیوند قلبی شاعر با از دست رفته نشأت گرفته، از اعتقاد مرید و مراد حکایت دارد. در حالی که در سوگ سروده های غیر اهل بیتی شاعر گاهی دچار نوعی تملّق و چاپلوسی برای دریافت پاداش و صله از سوی بازماندگان شده است.

۴-۳- دعوت به گریه

گریه به عنوان یکی از عوامل روحی تسکین آلام و کاهش اندوه و غم مصیبت دیده است، و در تاریخ تشیع وسیله ای برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان به کار گرفته می شود. شاعر اهل بیت (ع) به تحسّر و اندوه فردی خود بسنده نمی کند، بلکه با دعوت دیگران به گریه بر شهید، می کوشد تا وجدان آدمی را بیدار نموده و عواطف انسانی را به خدمت گرفته است که انقلابی بیافریند تا بر دستگاه ستم بشوراند. شاید به دلیل همین نقش سازنده گریه است که پیامبر (ص) پس از واقعه اُحد و شهادت عموی خویش حمزه سیدالشهداء، مردم را به گریستن بر او دعوت می کند و امام صادق و امام باقر (ع) با برپایی مجالس سوگواری و دعوت از شاعران به سوگ سرایی بر اهل بیت بر شهیدان اسلام می - گریستند. از سوگ نامه های شاعران اهل بیت برمی آید که گریه مطلوب شاعر شیعی، زانوی غم در بغل گرفتن و در کنجی خزیدن نیست، بلکه ندبه شاعر عاملی در جهت تحریض احساسات دیگران بود و به بیان دیگر، گریه ها گریه سیاسی و قیام زاری و در جهت رسوا ساختن حاکمان بیدادگر و معرفی و شرح جور و ستم آنان بود. البته در رثای شاعران برای غیر اهل بیت، از آنجا که شاعر موقعیت و منافع برتر خود را از دست می دهد، در مرثیه گریه سر داده و دیگران را به گریه دعوت می کند.

۴-۴- تصویر رویدادها

نگرش کلی شاعر اهل بیت (ع) در بیان عظمت فاجعه، تصویری روایی تاریخی و سیاسی از ژرفای مصیبت های رخ داده است. طبعاً، هر قدر ابعاد فاجعه و میزان

ستم دشمنان و ریشه های تاریخ و سیاسی آن بیشتر تبیین شود، تحریک بیشتر احساسات را به دنبال خواهد داشت. تا از این رهگذر دردهای درونی را التیام بخشد و بیمه نامه ای را در مسیر حیات خویش به امضا رساند و مشعلی فرا راه سعادت دیگران برافروزد و نهضت و مکتب سرخ حسینی را زنده نگاه دارد.

۴-۵- شرح انگیزه‌ها

برخی از مرثیه‌سرایان اهل بیت (ع)، همراه با تصویر حوادث، عوامل شهادت و انگیزه شهیدان و اهداف قاتلان را نیز می‌آورند. شرح انگیزه‌ها که یکی از مضامین رثای اهل بیت است، در شعر شریف رضی و محتشم کاشانی که دو شاعر مرثیه-سرای شیعی مورد نظر ما می‌باشند، ذکر نشده است و آن‌ها هیچ کدام به هدف قیام امام حسین - علیه‌السلام - اشاره‌ای ندارند.

۴-۶- ستایش در سوگ نامه های اهل بیته

یکی از ابعاد مهم رثای اهل بیت، مدیحه‌هایی است که شاعران درباره شهید می‌آورند و ملاک‌های ارزشی آن‌ها چون کرامت، بخشندگی، بنده‌نوازی و مایه امید بودن و... را ذکر می‌کنند، البته این ویژگی خاص رثای اهل بیت نیست و در مرثیه‌سرایان غیر اهل بیت نیز دیده می‌شود. اما نکته مهم این است که این صفت‌ها در سوگ نامه‌های اهل بیته با منبع قدسی لایزالی گره خورده است.

۴-۷- ویژگی حماسی

شرح حماسه شهیدان زیباترین ستایش نامه‌ای است که در رثای اهل بیت (ع) وجود دارد. حماسه بر شجاعت نیز اطلاق می‌شود. اشعار حماسی عرب بر چامه و چکامه‌هایی اطلاق می‌شود که بیشتر مبتنی بر بیان مفاخر قبیله‌ای و فردی باشد (صفا، ۱۳۷۱، ص ۱۶). حماسه‌سرایی در ادب فارسی جایگاه ویژه دارد، ولی در ادب عربی به آن مفهومی که در ادب فارسی مطرح است، مصداق ندارد؛ زیرا جامعه قبیله‌ای عرب ظرف تاریخی پیدایش حماسه را نداشته است. همیشه درگیری‌های قوم عرب داخلی بوده است و جنگ میان قبایل نزدیک یکدیگر بوده است و از چنین جنگ‌های داخلی حماسه به وجود نمی‌آید (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸، ص ۴-۵). ولی اگر معنای لغوی حماسه را در نظر بگیریم که به

معنی شجاعت و شدت (ابن منظور، ج ۶، ص ۵۸). است، در اکثر قصاید عربی به چشم می خورد. در مرثیه اهل بیت سخن از حماسه فراوان رفته است. قهرمان مرثیه شاعران اهل بیت، دلاور مردانی هستند که با آگاهی کامل از پیامد رویارویی با ستمگران عصر خویش شمشیر را از نیام کشیده و تا آخرین نفس از آرمان مقدس خود دفاع کرده اند.

۴-۸- هجو

اساساً شعر هجا در بین اکثر شاعران اهل بیت و شیعه کم رنگ بوده و آنچه از هجا در مرثیه شاعران اهل بیت (ع) مطرح است، تبیین اهداف قیام کنندگان در برابر حکومت های غاصبانۀ اموی و عباسی بود و در این زمینه به معرفی چهره مخالفان پرداخته اند: با شناساندن رفتارهای ناشایست آن ها و گاهی با ورود به تبارشناسی سعی در رسواسازی آنان و سلب صلاحیت زمامداری امور مسلمانان می نمودند. این هجو گاهی با طرح انتقام خواهی همراه بوده است. چرا که شاعر شیعی با پایبندی به اصول اعتقادی خود را همیشه وفادار خانندان نبوت شمرده است. اگر آن روز در کربلا نبوده است که حسین و یارانش را یاری کند، امروز با تصویر فضیلت ها، مصیبت ها و معرفی جایگاه انوار هدایت نزد خداوند و نقش آنان در هستی یا به بیان دیگر، با رویکردی فلسفی این وفاداری و آرمان خواهی را اعلام می دارد. سوگ نامه های شریف صادق ترین گواه جوانمردی، بخشندگی و وفاداری اوست (مبارک، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۹۵) و آینه ای تمام نما از ویژگی های شخصیتی اوست.

۴-۹- دعا و نفرین

یکی از ابعاد رثا، دعا به درگاه الهی است که سوگ نامه های حسینی گاهی با آن آغاز می گردد.

دعا بر از دست رفته در مرثیه شیعه چندان زیاد نیست، ولی نفرین بر مخالفان، که نشانه شدت خشم شاعران و تنفر آن ها از عاملان جنایت هولناک کشتار ائمه اطهار (ع) و یاران آن هاست، بی شمار است. که از جمله آن می توان به مطلع ذیل اشاره نمود:

کربلا مازلت کربا و بلا ما لقی عندک آل المصطفی

۴-۱۰- گله و شکوه از مردم

گله و شکوه از امت از خصایص ویژه رثای اهل بیت است؛ زیرا در بینش اسلامی، فریادرسی مظلوم و وظیفه الهی هر فرد مسلمان است. چه رسد که آن مظلوم، فرزند رسول خدا و احیاگر سنت و آیین محمدی و مصلح امت باشد. نکته قابل توجه اینکه در اغلب این شکوه و گله‌ها نامی از پیامبر و عترت ایشان به میان می‌آید. بنی‌امیه و بنی‌عباس که بی‌تردید غاصبان حق فرزندان وی بوده‌اند، در ظاهر، خود را وارث و مدافع آن رسول گرامی می‌دانستند. شاعران هم کوشیده‌اند مردم را به لحاظ اعتقاد و علاقه، و عشقی که از آن حضرت در دل داشتند، با طرح رابطه شهید مورد نظر با پیامبر و شرح ستم‌هایی که بر آن‌ها رفته است، وجدان‌های خفته را بیدار نموده، عمق تقصیر و کوتاهی مردم را یادآور شده، جوشش انقلابی در درون‌ها پدید آوردند که به جنبش مردم و یورش آن‌ها بر نظام حاکم بینجامد.

۴-۱۱- رهبری و امامت

ریشه اصلی مخالفت امویان و عباسیان با علویان و اهل بیت پیامبر(ص) موضوع رهبری و حاکمیت جامعه بود(القیروانی، ابی اسحاق. ص ۱۱۸). فلسفه قیام امام حسین -علیه السلام- نیز چیزی جز اصلاح کل ساختارهای امت اسلامی نبود: "إِنِّي لَمْ أُخْرَجْ أُشْرًا وَلَا بَطْرًا بَلْ خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي". شیعیان بر مبنای وصایت پیامبر، علویان را شایسته و محق رهبری جامعه اسلامی می‌دانستند، ولی امویان و عباسیان در اندیشه احیای سیادت عربی، ارتکاب هر جنایتی را برای خود روا می‌دانستند. شهادت ائمه اطهار و یاران‌شان از آثار ستم امویان و عباسیان است. شاعران اهل بیت، نیز به قصد پاسداری از میراث رسول اکرم و سفارش آن حضرت در اشعارشان، به تبلیغ وصایت و یا احتجاج بر حقانیت ائمه اطهار(ع) در خلافت پس از رسول خاتم پرداختند.

۵- انگیزه‌های سروده‌های شریف رضی و محتشم کاشانی

اینکه انگیزه محتشم در خلق این ترکیب‌بند علاقه و ارادت قلبی او به خاندان عصمت و طهارت بوده است یا نه، سخنی است که به درستی نمی‌توان در مورد

آن قضاوت کرد، اما سفارش و تقاضای شاه طهماسب را در پیدایش آن نمی‌توان نادیده گرفت؛ هرچند طمع به گنج‌ها و اموال بی‌حد و حساب شاه دین پناه و خسیس هم بی‌تأثیر نبوده است. تظاهرهای مذهبی صفویان و موضع‌گیرهای خاص شاه طهماسب سبب شد که مرثیه‌سرایی و مدح ائمه نه بر اساس اعتقاد قلبی همه شعرا، بلکه بیشتر به خواست آن پادشاهان رونق و نضج گیرد و بسیاری از گویندگان آن دوره در این زمینه هم صاحب آثاری شوند و اشعار مذهبی را برای گرم شدن مجالس روضه‌خوانی و وعظ و راه‌اندازی دسته‌های عزاداری که از جانب دستگاه‌های حکومتی و تبلیغی شاهان صفوی به شدت حمایت می‌شد، به وجود بیاورند و محتشم نیز از این کلیت مستثنی نبوده است. حال آنکه مرثیه شریف رضی در مقایسه با محتشم نه به درخواست شخصی خاص و نه برای برپایی مجالس و محافل بوده و آنچه به نظر می‌رسد یک انگیزه درونی والا در پیدایش مرثیه امام حسین -علیه السلام- در او وجود داشته است، ضمن اینکه شریف در دوره‌ای می‌زیست که زمامداران زمان حیات او از کسوت ایمان و علم، برهنه و مطابق معمول شاهان، جاه‌طلب و خودپرست بودند (سید علوی، ۱۳۶۶، ص ۳۵). او مرثیه می‌سراید تا در ضمن بیان مظلومیت امام حسین -علیه السلام- و بیان فجایع کربلا به غصب حکومت توسط عباسیان پرداخته و به حق از دست رفته امام مظلوم اشاره نماید.

۶- نقاط اشتراک و افتراق مرثیه های شریف رضی و محتشم کاشانی

تردیدی نیست که فراوانی مرثیه در دیوان شریف خود یکی از ویژگی های آن است. مرثیه در میان اشعار او از تنوع و گستردگی و اعتباری خاص برخوردار است. وجود بیش از ۸۰ قصیده رثائیه در دیوان وی از قدرت و مهارت او در سرودن مرثیه حکایت دارد. فراوانی سوگ سروده های نیکو و بلیغ در میان اشعار او نیز موجب بهت و شگفتی ناقدان شده است و از این حیث او را بر شعرای بزرگی چون ابی تمام و متنبی و بحتری برتری داده اند (البصیر، ۱۹۷۰، ص ۴۲۱).

آنچه بررسی اشعار رثائیه شریف رضی در شهادت امام حسین -علیه السلام- می‌باشد، که او چندین مرثیه در رثاء امام -علیه السلام- دارد (واللهفاته

لعصبه علویه، رب ساع لقاعد و الأمانی حسره و عناء و...) اما در تمام ابیات مرثیه «کربلا ما زلت کربا و بلا» از تعبیرها و اسلوب های بلاغی خصوصاً استعاره، تشبیه، کنایه، صنعت تضاد و مراعات نظیر بهره جسته است و الفاظ خود را با زبان و بیانی ساده و در خور فهم همگان بیان داشته و از این رهگذر سعی کرده تا فریاد مظلومیت امام حسین -علیه السلام- و خاندان پاکش را به گوش جهانیان برساند. و با توییح عباسیان و بیان حق غصب شده امام حسین -علیه السلام- و دیگر ائمه (ع) به مرثیه خود رنگ و بویی سیاسی می دهد. شریف غیر از این که به بیان فجایع و تصویر وقایع و دعوت به گریه و امامت و رهبری امام حسین -علیه السلام- اشاره دارد، انگیزه هایی چون تبلیغ معارف دینی و شیعی و نشر فضایل اهل بیت و دفاع از حقوق ایشان و افشای ماهیت ستمگران و تحریر به قیام و انتقام را نیز دنبال می کند.

اما مرثی محتشم کاشانی که در دیوانش قریب به ۸ هزار بیت قصیده رثائیه در رثاء حضرات ائمه و مدایح و ملوک و خانواده وجود دارد. تمام مرثی او دارای ویژگی های خاص خود هستند، اما ترکیب بند محتشم که در رثای امام حسین -علیه السلام- می باشد، رنگ و بویی خاص داشته که هنر محتشم نیز در همین ترکیب بند معروف خلاصه شده است و دیگر اشعار او چنگی به دل نمی زند. البته محتشم در رثاء امام حسین -علیه السلام- قصیده دیگری نیز سروده که در صفحه ۲۹۲ دیوان او با این مطلع درج شده است:

این زمین پر بلا را نام دشت کربلاست

ای دل بیدرد آه آسمان سوزت کجاست

این قصیده و دیگر ترکیبات و قطعات که در سوگ فرزند رسول خدا سروده شده، به پایه و مایه آن دوازده بند نمی رسند. در حقیقت، محتشم در آن ترکیب بند کار را تمام کرده است، بقیه آثار او در این زمینه ریزه خوار آن خوان تنعم می باشند. به هر حال، این ترکیب بند شامل ۱۲ بند و در مجموع ۹۶ بیت می باشد. زبان شاعر در این مرثیه طبیعی، احساسی و صمیمی است و ابیات از تصنعات بدیعیه و زبان بازی های مبالغه آمیز عاری و منزّه است، اما در عین حال،

از اسلوب های بلاغی همچون استعاره، تشبیه، کنایه و مراعات نظیر همانند شریف رضی استفاده ای به جا و درست داشته است. ترکیب بند محتشم بیشتر در جهت نشان دادن عظمت مصیبت کربلا طراحی شده است و الحق که در این مهم کاملاً موفق و توانا عمل کرده است. با وجود احساس رقیق و بیان لطیفی که در تمام بندهای این ترکیب بند موج می زند، بعضی از ابیات آن حکایت از عدم بینش عمیق سراینده از واقعه عاشورا می کند. هرچند موج احساس و عاطفه نقاط ضعف آن را پوشانده و برنقص های شعر چیره گشته است، اما برخی از تعابیر به کار رفته شده در این مرثیه هم شعر را فاقد یک روح انقلابی و اصیل که در خور یک شاعر شیعی است، نشان می دهد، چنانکه محتشم بدون توجه به این جوهره اصیل مکتب تشیع از عاشورا تعبیر به «صبح تیره» نموده است:

این صبح تیره باز دمید از کجا کزو

کار جهان و خلق جهان جمله در هم است

در حالی که یک شاعر شیعی پیرو حسین و وفادار به آرمان های عاشورا، حماسه کربلا و عشق به شهادت را نه تنها شکست نمی داند، بلکه تعبیر به «پیروزی خون بر شمشیر» (اعلامیه تاریخی امام خمینی، محرم ۱۳۹۸ق). نیز می کند: بنابراین این تعبیر "کشتی شکست خورده" هم نشان از عدم توجه شاعر به روح احیاگری و نورافشانی و حقیقت های زنده جاودان تاریخ دارد:

کشتی شکست خورده طوفان کربلا در خاک و خون تپیده میدان کربلا

واضح است که اگر محتشم کاشانی بر اهداف حرکت آفرین شهادت که یکی از عناصر اساسی تفکر شیعه نیز محسوب می شود، واقف بود و از فلسفه عمیق و بن بست شکن حادثه خونین عاشورا آگاهی کامل داشت، قطعاً شعر او در این اثر بی نظیر رنگ و بویی دیگر می گرفت و از مقام ارجمندتری برخوردار می گشت.

۷- بررسی تطبیقی اشعار هر دو شاعر

در بررسی اشعار شریف رضی و محتشم کاشانی در رثای امام حسین -علیه السلام- به مفاهیم و مضامین مشترک و غیر مشترک و تفاوت در سطح بیان و گفتار برمی خوریم که اشاره ای مختصر به آن ها خالی از لطف نیست می شود:

۷-۱- تشنگی

وَ ضُيُوفٍ لِّفَلَاةٍ قَفْرَةٍ

نزّلوا فيها على غير قفرى

از آب هم مضایقه کردند کوفیان

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

كَمْ حِصَانِ الذَّيْلِ يَرُوى دَمْعُهَا

خدها عند قتیلِ بالظما

لم يذوقوا الماء حتى اجتمعوا

بحدی السیفِ على ورد السردى

زان تشنگان هنوز به عیوق می رسد

فرياد العطش ز بیابان کربلا

من رميضٍ يُمنَعُ الظِّلُّ و من

عاطشٍ يُسقى أنابيب السقنا

بودند دیو و دد همه سیراب و می مکد

خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا

این خشک لب فتاده ممنوع از فرات

کز خون او زمین شده سیراب حسین توست

هر دو شاعر با رویکردی روایی - تاریخی و عاطفی و با اسلوب ایجاز قصر معانی گسترده ای را بر مرکب الفاظی اندک می نشانند. هر دو از میهمانانی سخن به میان می آورند که دعوت شده اما مورد بی توجهی قرار گرفته و برخی میزبانان با شمشیرها و نیزه ها به استقبالشان رفته اند. هر دو شاعر به موقعیت آب و هوایی و خشکی سرزمین کربلا اشاره دارند. زمینی که بایستی با فرات آبیاری می گردید، از خون میهمان کربلا سیراب گشته است. اوج سنگدلی دشمنان در این ابیات هویدا است.

شریف رضی در بیت نخستین با بیانی ساده تنها به پذیرایی نشدن میهمانان کربلا اشاره می کند. در حالی که محتشم با تعبیر "از آب هم مضایقه کردند کوفیان" نه تنها سنت میهمان نوازی عربی را به چالش می کشد، بلکه به طور غیر مستقیم به سرزنش آن ها پرداخته، اندوه و تاسف و تعجب خویش را بیان داشته است. رویکرد تخیلی شعر محتشم پر بارتر و پر رنگ تر است. گذشته از آن آرایه های بدیعی همچون "به عیوق رسیدن فریاد العطش" در شعر او خود نمایی می کند.

۲-۷- شهادت

در بحث شهادت امام حسین (ع) بعد عاطفی سوگنامه ها بسیار پر رنگ است. و از این بعد به جنبه های گوناگون ذیل پرداخته شده است:

- ۱- تاثیر و تاثیرهای روحی و روانی ناشی از ضربه ها.
- ۲- سر به نیزه کردن امام و یارانش و بی احترامی به آن ها.
- ۳- عدم غسل و تکفین.
- ۴- انتقام کشته های بدر و احد.

و شاعر در کنار این جنبه ها، به فراخور نگاه و توان خود زاویه های دیگری را نیز مورد توجه قرار داده است.

۲-۷- تاثیر و تاثیرهای روحی و روانی ناشی از ضربه ها

شریف رضی با به کارگیری ابزار شرط "لو" به مفهوم "تأثر پیامبر اکرم (ص) از حادثه جانکاه شهادت امام و یاران و اسارت خاندان، حالتی امتناعی می دهد. در حالی که محتشم براین اعتقاد است که ضربه شمشیرها بر پیکر حسین (ع)، جگر محمد مصطفی (ص) را پاره پاره کرد. محتشم به همین جا اکتفا نمی کند؛ بردو نکته دیگر هم تصریح می نماید: ۱- بی رحمی دشمنان و تشنه جان دادن امام ۲- امامت و خلافت امام پس از علی مرتضی (ع).

یا رسول الله لو عاینتمهم	و هم ما بین قتلی و سببا
لرأت عیناک منهم منظرأ	بحشی شجواً و للعین قذی
پس ضربتی کران جگر مصطفی درید	بر حلق تشنه خلف مرتضی زدند

۲-۷- سر به نیزه کردن امام و یارانش و بی احترامی به آن ها

حَمَلُوا رَأْسًا يُصَلُّونَ عَلَيَّ
 جدّه الاكرم، طوعاً و إِبْرًا
 يتهدّى بينهم لم ينقضوا
 عَمَمَ الهام و لا حلوا الحجبى
 پس بر سنان کنند سرى را كه جبرئيل
 شويد غبار گيسويش از آب سلسييل
 روزى كه شد به نیزه سر آن بزرگوار
 خورشيد سر برهنه برآمد ز كوهسار

شريف رضى و محتشم هر دو در بيت هاى فوق به گونه اى از جدا نمودن سر امام حسين (ع) و اهانت دشمنان در برخورد با او سخن مى گویند. اما شاعر نخست براى تبیین جایگاه امام به تبارشناسی دست مى زند. به پدر بزرگ گرامی او اشاره مى کند و شاعر دوم به فضیلت های امام با رویکردی فلسفی عرفانی مى نگرد: با تعبیر " غبار از گیسوانش بشوید" از انتساب به پیامبر مکرم اسلام (ص) فراتر مى رود، مرتبه قرب حضرت را نزد خداوند مطرح مى نماید.

۲-۷- عدم غسل و تکفین

و صریحاً عالج الموت بـــــــلا
 شدّ لـــــــحیین و لا مدّردا
 غسلوه بدم الطعن و مـــــــا
 کفنوه غیر بوغاء الثـــــــرى
 این کشته فتاده به هامون حسین توست
 وین صید دست و پا زده در خون حسین توست
 این قالب بتان که چنین مانده بر زمین
 شاه شهید ناشده مدفون حسین توست

پیرامون شهادت سالار شهیدان، محتشم و شریف ابیات دیگری نیز دارند که به استغاثه و استمداد امام حسین (ع) از اجداد بزرگوارشان و توصیف شهدا و امت پیامبر اشاره دارند:

باب برّ و جدّ مصطفی	مُرْهَقاً يَدْعُو، وَ لَا غُوْثَ لَه
عِلْمًا مَا بَيْنَ نِسْوَانِ الْوَرَى	وَ بِأَمٍّ رَفَعَ اللهُ لَهَا
جَدًّا، يَا جَدًّا اغْتَنَى يَا أَبَا	أَيُّ جَدًّا وَ ابٍ يَدْعُوهُمَا
يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْمَرْتَضَى	يَا رَسُولَ اللهِ يَا فَاطِمَةَ
قَمَرِ غَابٍ وَ نَجْمِ قَدْحُوِي	وَ وَجُوْهَاً كَالْمَصَابِيْحِ، فَمَنْ
عُمْدَةَ الدِّيْنِ وَ أَعْلَامَ الْهُدَى	يَا قَتِيلاً قَوْضَ الدَّهْرُ بِهِ
طوفان به آسمان ز غبار زمین رسید	نخل بلند او چو خسان بر زمین زدند
روح الامین ز روی نبی گشت شرمسار	با آنکه سر زد آن عمل از امت نبی

۲-۷- انتقام کشته های بدر و احد

شریف رضی در انعکاس انتقام جویی یزیدیان موفق تر از محتشم عمل نموده است. زیرا شعر شریف رویکردی روایی تاریخی و سیاسی دارد. به طور غیر مستقیم به کشته های بدر و احد اشاره می نماید که کافران زمانه دست به انتقام خون آن ها زده خود را دلشاد نموده اند. در حالی که محتشم به ماجراهای گذشته اشاره نمی کند. بلکه شادی یزید را که تشنه کام خلافت و سیاست و قدرت است مطرح می نماید:

و أذِيْلَ الْغِيِّ مِنْهُمْ فَاشْتَفَى	أَدْرِكُ الْكُفْرَ بِهِمْ ثَارَاتِهِ
بنگر که را به قتل که دل شاد کرده ای	کام یزید داده ای از کشتن حسین

بیشترین بخش از ابیات شریف و محتشم به بحث شهادت امام حسین (ع) و یارانش اختصاص دارد و در این ابیات به چگونگی کشته شدن امام و شهیدان، تعداد ضربات شمشیر و جراحات وارده، عدم غسل و تکفین، از سلاله پیامبر بودن ایشان، سر بریدن، به نوزه کردن، عدم احترام و تکریم، استغاثه از اجداد و ... اشاره دارند.

۳-۷- اسارت

جمعی که پاس محلشان داشت جبرئیل
معجلات لایوارین ضحی
یسوم لا کسر حجاب مانع
و مسوق عاثر یسعی به
جزروا جزر الاضحی نسله
متعب یشکو اذی السیر علی
هاتفات برسول الله فی

گشتند بی عماری و محمل شترسوار
سُنن الأوجه او بیض الطلی
بذله العین و لا ظل خبا
خلف محمول علی غیر و طا
ثم ساقوا اهلکة سوق الاما
نقب المنسیم، مجدول المطا
بهر السعی و عثرات الخطی

در ابیات فوق شریف به چگونی اسارت و درد و رنج آن اشاره می‌کند. با به تصویر کشیدن ریزترین حوادث سعی دارد مخاطب را از ژرفای مصیبت های خاندان حسین(ع) پس از شهادت او آگاه نماید. او با تکرار مفاهیم و آنچه در زمان اسارت اتفاق افتاده، می‌خواهد زشتی کار یزیدیان را به معنای واقعی نمایان سازد. او فجایع اسارت را تکرار می‌کند. لذا در به تصویر کشیدن اسارت اهل بیت امام حسین(ع) شریف بسیار موفق تر از محتشم عمل کرده است. زیرا محتشم تنها در یک بیت، آن هم در ضمن موضوعی تکراری، به این مطلب پرداخته و به مقایسه پاسداشت حرمت این خاندان توسط جبرئیل و حرمت شکنی دشمنان می‌پردازد.

۷-۴- بکاء

در مضمون بکاء و گریه در ابیات شریف و محتشم ۳ موضوع مطرح است که به بررسی آن ها می‌پردازیم: ۱- گریه اهل بیت، ۲- گریه مردم، ۳- گریه زمین و زمان و آسمان.

۷-۴- گریه اهل بیت

میئت تبکی له فاطمة
لو رسول الله یحیا بعدة
اهل حرم دریده گریبان، گشاده مو
ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان

و ابوها و علی ذوالعلی
قعد الیوم علیه للعزاً
فریاد بر در حرم کبریا زدند
بر پیکر شریف امام زمان فتاد

بی اختیار نعره "هَذَا حَسِينٌ" از او سر زد چنان که آتش از او در جهان فتاد
بر حربگاه چون ره آن کاروان فتاد شور نشور واهمه را در گمان فتاد

۷-۴- گریه مردم

قد مضى الدهر، و عَفَى بعدكم

لا الجوى باخ، و لا الدمع رقًا

خاموش محتشم، که از این شعر خون چکان

در دیده اشک مستمعان خون ناب شد

خاموش محتشم، که از این نظم گریه خیز

روی زمین به اشک جگرگون خضاب شد

در این ایات شریف و محتشم هر دو به گریه مردم عادی اشاره دارند، شریف گریه خود بر امام حسین(ع) را مطرح می کند که با گذشت زمان و ایام از شدت غم و اندوه واقعه کربلا کاسته نمی شود و پیوسته اشک از دیدگان جاری است و محتشم نیز به گریه مردمی اشاره دارد که واقعه عاشورا را می شنوند و می خوانند. در مورد گریه زمین و زمان و آسمان شریف بی‌تی نداشته و محتشم طی پنج بیت به آن اشاره دارد.

۸- صدر و ذیل سوگنامه دو شاعر

شریف رضی مرثیه خود را با مطلع:

کربلا لازلت کربلا وبلا
مالقی عندک آل المصطفی

آغاز نموده است. او مرثیه خود را با نوعی دعا و نفرین آغاز کرده: که ای کربلا! الهی پیوسته با اندوه و بلا همراه باشی، او نفرین خود را با معناشناسی واژه کربلا در هم می آمیزد تا بتواند ذهن و روح مخاطب را بهتر تسخیر کند و نیکوتر فاجعه کربلا را به تصویر کشد.

شریف وقایع را یکی پس از دیگری مطرح کرده تا به ابیات پایانی مرثیه او می‌رسیم که به عقوبت کار یزیدیان و بزرگ‌ترین شاکی روز قیامت اشاره کرده و از زبان او به گله و شکوه از عمل یزیدیان پرداخته است.

اما محتشم کاشانی مطلع مرثیه خود را با نوعی پرسش آغاز می‌کند:
باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

که بیانگر نوعی تأکید و تقریر و جلب توجه مخاطب می‌باشد: چرا که این پرسش و استفهام و تکرار واژگان بیانگر تشویق مخاطب به خواندن و یا شنیدن مرثیه او تا انتها را دارد و همچنین، برانگیزاننده تعجب مخاطب می‌باشد، چرا که فاجعه عاشورا، مصیبتی را در دل تاریخ به یادگار گذاشت که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» و هرگاه که زمان به سالروز آن فاجعه نزدیک می‌شود، تو گویی دوباره زمین و زمان، عرش و فرش، انس و جن به هم ریخته و در مصیبت آن بزرگواران به سوگ می‌نشینند و لذا محتشم از این دگرگونی اظهار تعجب کرده تا از این رهگذر مخاطب را به تفکر وا دارد.

محتشم نیز مانند شریف شروع به ذکر مصائب و وقایع کربلا می‌نماید تا به ابیات پایانی او می‌رسیم، او مرثیه خود را به گونه‌ای مجزا از مرثیه شریف به پایان می‌برد، با نوعی تجرید بدیعی فرمانی تویخی صادر می‌کند و درجه سوز و گداز سخن خود را چنان به اوج می‌رساند که بر کائنات و جامدات هستی هم اثر گذاشته، دل سنگ را آب نموده، تاب و توان شنود و بردباری را هم از انسان گرفته است:

خاموش، محتشم که دل سنگ آب شد

بنیاد صبر و خانه طاق خراب شد

خاموش، محتشم که از این حرف سوزناک

مرغ هوا و ماهی دریا کباب شد

در حالی که شریف در پایان شروع به گله و شکایت به درگاه خداوند می‌نماید. به نظر نگارنده در این راستا شریف قدری هنرمندانه‌تر و موفق‌تر عمل

کرده است، چرا که وقتی انسان به اندوه و مصیبتی عظیم می‌رسد، آنجا که دیگر هیچ راه چاره و مفری نیست، آنجا که هرچه فریاد می‌کند، فریادرسی نیست، در نهایت با عجز و ناتوانی تمام رو به درگاه احد لایزال می‌گذارد و با دلی شکسته و قلبی اندوهگین شروع به گله و شکایت از جور زمان می‌نماید و از او می‌خواهد که حق مظلوم را ستانده و ظالم را به جزای عمل خویش رساند.

۹- نتیجه

بعد از تطبیق و مقارنه مرثیه «شریف رضی» و «محتشم کاشانی» در ابتدا درمی‌یابیم که مرثیه هر دو شاعر پرمغز و سوزناک و از عمق جان بوده و بیانگر صحنه‌هایی از حقایق و وقایع عاشورا می‌باشند. مرثیه آن‌ها شور و سوزی در دل نهفته دارد که این شور در دل هر خواننده‌ای اثرگذار است، چرا که مبین حقیقت‌های تاریخ است.

واقعه عاشورا یک موضوع و کلیتی است که هر شاعر محب اهل بیت (ع) را تحریک کرده تا قطعه‌ای پیرامون آن بسراید، لذا این واقعه در احساس دو شاعر مورد نظر ما نیز تأثیر گذاشته و ابیاتی را در ذکر امام حسین و اهل بیت ایشان سروده‌اند. طبیعتاً شعر «رثا» با وجود اشتراکات فراوانی که با سایر انواع شعر دارد، دارای ویژگی‌هایی است که موجب می‌شود تا به مثابه نوعی مستقل به حساب آید. ویژگی‌هایی چون: پرداختن به مسأله «مرگ و حیات»، «تحسر و اندوه شاعر»، «دعوت دیگران به گریه و همدردی با او»، «دعا» و «تکرار کلمات و عبارات».

اما در رثای اهل بیت (ع) خصوصاً رثای امام حسین (ع) مضامین از عمق بیشتری برخوردارند، در رثای اهل بیت (ع) ذکر فضایل و کرامات آن بزرگواران مطرح می‌شود که رثای افراد عادی چنین ویژگی‌ای را ندارند. در رثای امام حسین (ع) مضامینی چون عطش، شهادت، اسارت، بکاء، مدح، شکوه، شکایت و ... وجود دارد، بنابراین هنگامی که شاعری قصد می‌کند مرثیه‌ای پیرامون اباعبدالله بسراید و به ذکر مصیبت ایشان روی آورد، ناگزیر در ابیات خود از مضامین مذکور استفاده می‌نماید. در نتیجه این تقدّم زمانی شریف نسبت به محتشم باعث نشده که محتشم از شریف تأثیر پذیرد؛ چرا که هر دوی آن‌ها

پیرامون یک موضوع مشترک با مضامینی واحد شروع به مرثیه سرایی کرده‌اند، که اگر هر شاعر دیگری نیز به رثای امام حسین (ع) روی آورد، چه قبل از شریف بود و چه بعد از او، همان مضامینی را استفاده می‌کرد که شریف استفاده کرده است، لذا دلیل موجه و مستندی وجود ندارد که بیانگر تأثیر شریف بر محتشم کاشانی در انتخاب مضامین باشد.

اما از جهت عروضی و وزن شعری و قافیه‌سازی ابیات محتشم تحت تأثیر اشعار «خاقانی» و «راوندی» بوده است که این مسأله اندکی از ارزش فنی مرثیه محتشم می‌کاهد.

ابیات هر دو شاعر از عاطفه‌ای سرشار برخوردار است. اما آنجا که بحث «انگیزه سرودن مرثیه امام حسین» مطرح می‌شود، می‌بینیم که شریف نسبت به محتشم از انگیزه درونی والایی بهره جسته است، چرا که اولاً شریف از ذریه و سلاله امام حسین (ع) می‌باشد و مرثیه گویی برای معصوم، معصومی که پدر می‌باشد و پدری که مظلوم نیز واقع شده، با خلوص و اخلاص بیشتری توأم است و دوم اینکه شریف در عصری می‌زیسته که به زمان واقعه کربلا نزدیک‌تر بوده و این نزدیکی زمانی در انگیزه سرودن مرثیه شریف بی‌تأثیر نبوده است و نکته آخر اینکه شریف رضی در سرزمین عربی متولد شده و عرب زبان است که این نکته نیز می‌تواند در انگیزه شریف تأثیر گذار باشد.

انگیزه سرودن در محتشم کاشانی که در زمانی دورتر از واقعه عاشورا یعنی سال ۹۳۵ هـ در دولت متعصب شیعی شاه طهماسب صفوی در ایران می‌زیست، انگیزه‌ای بیرونی بیان می‌شود.

اما از جهت به کارگیری فنون بلاغی و ادبی هر دو شاعر به گونه‌ای، بس ماهرانه کلمات و واژگان را به بند تشبیه و استعاره و کنایه گرفته و همچنین، در گزینش واژگان، نهایت دقت را داشته‌اند، تا کلماتی را برگزینند که تأثیر کافی و وافی را در رساندن پیام داشته باشد تا نفوذ کلام را در جان و روح مخاطب نشانند.

در یک نگاه کلی به ابیات شریف و محتشم درمی‌یابیم که شریف از ابتدا تا انتهای قصیده خود به بیان فجایع کربلا می‌پردازد تا از این رهگذر احساسات و

خشم مخاطب را برانگیزد و محتشم اگرچه به این مفاهیم به گونه‌ای غیر صریح اشاره دارد، اما بیشتر در ابیات خود به بیان «مظلومیت» امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان می‌پردازد.

نکته پایانی و قابل توجه اینکه نه شریف رضی و نه محتشم کاشانی در ابیات مرثیه خود به «هدف قیام امام حسین (ع)» که امر به معروف و نهی از منکر و به پا داشتن نماز است و همچنین، به رسالت خطیر حضرت زینب (س) بعد از واقعه کربلا اشاره نکرده‌اند.

این در حالی است که تمام واقعه عاشورا، بعد از کشته شدن امام حسین (ع) و یارانش توسط خطبه‌های تند و آتشین حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع)، به اذهان رسید و توسط آن‌ها پرده از زشتی‌ها و پلیدی‌های یزید و سپاهیان‌ش برداشته شد، چرا که:

سرنی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت، بعد از آن طوفان رنگ پشت ابری از ریا می‌ماند اگر زینب نبود

کتابنامه

- ۱- امام خمینی، ۱۳۹۸ق، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲- البصیر، م.، ۱۹۷۰، فی الادب العباسی، ط ۳، نجف، مطبعی النعمان.
- ۳- الثعالبی، م.، ۱۴۳۰، تیممه الدهر فی محاسن اهل العصر، ج ۳، ط ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴- دایرة المعارف فارسی ۱، ج ۲.
- ۵- رساله وقار شیراز در مجله ارمغان، سال ۱۴، ص ۷۱۳-۷۲۲، و سال ۱۵، ص ۷۳، ۷۲، ۱۰۰، ۱۰۷، ۲۲۶، ۱۳۶.
- ۶- سیدعلوی، ا.، ۱۳۶۶، یادنامه علامه شریف رضی (کنگره ششم نهج البلاغه هزاره شریف رضی)، چ ۱، تهران، نشر روشنگر.
- ۷- الشریف الرضی، م.، ۱۳۶۴، دیوان شعر، ج ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- شفیع کدکنی، م.، ۱۳۵۸، موسیقی شعر، تهران، توس.

- ۹- صفا، ذ.، ۱۳۷۷، مختصری بر تاریخ نظم و نثر فارسی، چ ۵، تهران، ققنوس.
- ۱۰- صوفی، ل.، ۱۳۸۱، زندگینامه شاعران ایران، تهران، جاجرمی.
- ۱۱- قیروانی، ح.، ۴۵۶، العمده، قاهره، دایره المعارف.
- ۱۲- مبارک، ز.، ۱۳۷۱، عبقریه الشریف الرضی، ج ۲ و ۱، قاهره، مطبعه حجازی.
- ۱۳- مدرس تبریزی، م.، ۱۳۶۹، ریحانة الادب، ج ۵، چ ۳، تهران، خیام.